

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی  
۰۷ نومبر ۲۰۱۴

## توطئه‌های مختلف حکومت اسلامی، علیه کانون نویسندگان ایران در داخل و خارج از کشور!

کانون نویسندگان ایران در داخل کشور و کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، به عنوان تشکل‌های دموکراتیک نویسندگان ایران، همواره خاری در چشم حکومت اسلامی ایران و عوامل آن هستند. در اوایل انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، حزب توده که با تمام قدرت از حکومت اسلامی حمایت می‌کرد تلاش‌هایی را نیز در وابسته کردن کانون نویسندگان ایران به این حکومت سانسور و اختناق و ترور آغاز کرد که در این راه شکست سختی خورد.

حکومت اسلامی ایران در جهت تثبیت خود، همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی مخالف، تشکل‌های دموکراتیک کارگران، زنان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان را منحل کرد و فعالان این تشکل‌ها را تحت تعقیب و زیر شکنجه قرار داد و گروه‌گروه اعدام کرد.

این حکومت جانی، سعید سلطانیپور عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان را که قبل از ۳۰ خرداد [جوزا] سال هزار و سیصد و شصت دستگیر کرده بود در سی و یکم خرداد ماه [جوزا] ۶۰ به همراه تعدادی از زندانیان سیاسی اعدام کرد. سال ۶۰، اوج بربریت و وحشی‌گری این حکومت به سرمداری خمینی در مقابله با جنبش‌های اجتماعی و همه سازمان‌ها و احزاب و تشکل‌های مردمی بود از جمله به دفتر کانون نویسندگان نیز شورش آوردند و با تخریب دفتر این کانون، اسناد آن را نیز به غارت بردند.

از همان تاریخ تاکنون، حکومت اسلامی کانون نویسندگان را منحل اعلام کرده و همواره آن بخش از اعضای کانون که برای بازسازی آن و برگزاری مجمع عمومی و انتخاب هیأت دبیران تلاش کرده‌اند زندانی و یا ترور کرده است. مختاری و پوینده و... را تروریست‌های حکومت اسلامی در تهران به قتل رساندند که به قتل‌های زنجیره‌ای معروف شد. قبل از آن نیز مأموران وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، تلاش کرده بودند اتوبوس نویسندگان و شاعرانی را که برای شرکت در یک جشنواره فرهنگی عازم ارمنستان بودند به دره بیاندازند که موفق نشده بودند.

در این بیش از سه دهه گذشته، رسانه‌های حکومت اسلامی ایران و عوامل آن در خارج کشور هم، تلاش کرده‌اند تا کانون نویسندگان و مسؤولان آن را وادار به سکوت نمایند اما هرگز موفق نشده‌اند.

شایع است که یکی از این عوامل در خارج کشور، شخصی نام «امیر عباس فخرآور» است. او اخیراً و پس از برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران و انتخاب هیأت دبیران، به طور هیستریک و با عناوین رکیک و تهمت‌آمیزی به کانون نویسندگان ایران، به خصوص به آقایان ناصر زرافشان و فریبرز رئیس دانا حمله کرده است. شایع است که فخرآور یکی از همکاران وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران در خارج کشور است و با سلطنت‌طلبان و سازمان‌های جاسوسی همکاری می‌کند. قبل از آن نیز شایع بود که او در ترکیه نیز با پولیس مخفی این کشور همکاری داشته است. مهم‌تر از همه، هنگامی که ناصر زرافشان در زندان شده بود با تحریک مأمورین امنیتی حکومت اسلامی، از جمله مورد حمله فخرآور قرار گرفته بود.

فخرآور، به تازگی و پس از برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران و انتخاب هیأت دبیران جدید، به پرونده سازی علیه کانون نویسندگان و آقایان زرافشان و رئیس دانا پرداخته و در فیس‌بوک خود نوشته است:

«کمونیست‌های گروه کانگستری ناصر زرافشان دوباره به کمک خامنه‌ای آمدند! دیروز پس از ۱۲ سال تأخیر نشست سالیانه به اصطلاح کانون نویسندگان ایران برگزار شد که با استقبال رژیم جمهوری اسلامی مواجه گردید و وزارت ارشاد رژیم هم نتوانست شادمانی خود را پنهان کند. گزارش کاملی هم از این نشست که به ریاست ناصر زرافشان (عضو واحد قضائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و رفیق سالهای دور وی فریبرز رئیس دانا برگزار شده بود در خبرگزاری مهر منتشر شد تا حسابی برایشان تبلیغ شود. لازم به ذکر است که از ۱۲ سال پیش که رئیس دانا و زرافشان پایشان با دوپینگ وزارت اطلاعات به کانون نویسندگان ایران باز شد این کانون در چنبره بازنشسته‌های حزب توده اسیر مانده بود و نتوانسته بود نشست سالیانه داشته باشد. جالب‌تر اینکه در هیچیک از حرکت‌های ملی و مردمی علیه حکومت در یک دهه گذشته بیانیه کانون نویسندگان دیده نشد حتی در ۱۰ ماه حضور میلیون‌ها ایرانی در خیابان‌ها در جریان جنبش سبز برای اعتراض به خامنه‌ای و رژیم جمهوری اسلامی هیچ بیانیه‌ای از کانون در حمایت از این اعتراضات در نیامد و در این مدت تنها چند بیانیه و نامه و شایعه سازی به سبک ستالین از سوی زرافشان و رئیس دانا علیه اینجانب منتشر شد و چند بیانیه در محکومیت امریکا و اسرائیل...!»

حالا ببینیم که آیا به گفته فخرآور خبرگزاری حکومتی مهر تشکیل مجمع عمومی کانون را تبلیغ کرده و یا مانند فخرآور، به هیأت دبیران کانون سابق و فعلی کانون نویسندگان اتهام زده است؟ خبرگزاری مهر، شنبه ۸ شهریور [سنبله] ۱۳۹۳، درباره کانون چنین نوشته است:

«مجمع عمومی و انتخابات کانون منحل‌ه نویسندگان ایران با وجود ممانعت قانونی از فعالیت این نهاد، پس از ۱۲ سال برگزار شد و بعد از برگزاری انتخابات، اعضای جدید هیأت مدیره این کانون معرفی شدند.

به گزارش خبرنگار مهر، پنجمین مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران روز جمعه و پس از هفت سال ممانعت جدی از برگزاری این مجمع برگزار شد و در آن اعضای جدیدی به عنوان هیأت اصلی دبیران، جانشینان، منشی، بازرسان و صندوق‌داران تعیین شدند.

این جلسه که به ریاست سنی علی بابانی و حضور فرخنده حاجی زاده، ناصر زرافشان و اکبر معصوم بیگی به عنوان هیأت رئیسه برگزار شد، مسئولین جدید کانون به شرح زیر انتخاب شدند:

اعضای اصلی هیأت دبیران: رضا خندان (مهابادی)؛ حسن اصغری، علی اشرف درویشیان، مهدی غیرانی، بکتاش آبتین.

اعضای جانشین به ترتیب: حافظ موسوی، علی عبداللهی، علیرضا اجباری، حمید یزدان پناه و فانوس بهادروند.

منشی: علیرضا عباسی.

بازرسان: رضا عابد و علی صداقتی خیاط.

صندوقدار: حسن صانعی.»

سایت حکومتی مهر با اشاره به تاریخ تأسیس کانون نویسندگان در دوران حکومت پهلوی، می‌افزاید:

«کانون نویسندگان ایران بعد از انقلاب اسلامی

فعالیت‌های کانون نویسندگان ایران همراه با اوج‌گیری انقلاب، گسترش بی‌سابقه‌ای یافت و کارگزاران کانون نویسندگان تلاش کردند تا این تشکیلات به عنوان مرکز تجمع و حافظ منافع صنفی نویسندگان ابراز وجود کند. کانون نویسندگان از ابتدای حرکت انقلابی مردم، موضعی مخالف حرکت اسلامی مردم اتخاذ کرد و به عنوان مؤتلف و همراه در کنار گروه‌های چپ ایستاد و کوشش هیأت دبیران کانون نویسندگان به رغم سمت گیری‌هایی که از طریق سخنگو و برخی از اعضای هیأت دبیران خود تدارک دیده بود، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی خواستار ملاقات با حضرت امام خمینی شد.

در این دیدار حضرت امام (ره) خطاب به نویسندگان فرمودند: «... پیش تر قلم شما را شکستند. الان قلم شما باز است، لکن استفاده از قلم در راه آزادی ملت و در راه تعالیم اسلامی بکنید...»

کانون نویسندگان در چندین مرحله با دولت موقت به مشکل برخوردند. در گام نخست در حالی که هنوز از استقرار دولت موقت مدت زیادی نگذشته بود که از طرف کانون نویسندگان ایران آن را زیر ضربات تبلیغات کین‌توزانه و جهت دار خود گرفته شد. نخستین مرحله از این دست حملات، صدور بیانیه پیرامون محکومیت حمله به کتابفروشی‌ها بود. کانون در این بیانیه دولت موقت را متهم به ضعف و سازش‌تلوچی با برخی از گروه‌ها می‌کند...

کانون در موضوع لایحه مطبوعات نیز با دولت موقت رودررو شد. اخبار این رودررونی به طور مبسوط در جراید آن ایام منعکس است. در آن روزها، دولت موقت می‌کوشید تا با تدوین لایحه‌ای خاص، نحوه فعالیت مطبوعات را تحت سامان و قاعده درآورد، ولی کانون نویسندگان با این اقدام مخالفت می‌کند.

دیگر برخورد کانون نویسندگان با حکومت اسلامی در اواخر مهرماه [میزان] ۱۳۵۸ رخ داد. در این ایام کانون در اندیشه برگزاری شب‌های شعر بود. به همین سبب اعضای هیأت دبیران کانون یک کنفرانس مطبوعاتی تشکیل دادند و از خبرنگاران داخلی و خارجی دعوت کردند تا این تمایل و خواست برگزاری این شب‌های شعر کانون را پوشش دهند. آنان همچنین خواسته بودند تا وزارت خانه‌های کشور و ارشاد ملی، اجازه برپایی و تأمین امنیت این جلسات را صادر نمایند اما این مجوز صادر نشد تا برگزاری شب‌های شعر به تعویق بیفتد.

در فروردین ماه [حمل] ۱۳۵۸ مجمع عمومی کانون نویسندگان برگزار شد. انجام انتخابات هیأت دبیران دستور کار این جلسه بود. در این انتخابات پیروزی با «چپ‌های امریکانی» بود و افرادی چون احمد شاملو، غلامحسین ساعدی، اسماعیل خونی، محسن یلفانی و باقر پرهام به عنوان اعضای اصلی و سیاوش کسرانی و هوشنگ گلشیری به عنوان اعضای علی‌البدل معرفی شدند.

در عین حال یکی دیگر از مواضع کانون در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، مخالفت با انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بود. به دلیل مجموعه این فعالیت‌ها در اردیبهشت [ثور] ۱۳۶۰ محل کانون در خیابان مشتاق به تصرف مردم و نیروهای انقلابی درآمد و در تیر ماه به حکم دادگاه این کانون تعطیل و از فعالیت آن جلوگیری شد...

... با این حال، عطا الله مهاجرانی اصلاح‌طلب حکومتی لندن‌نشین و که در آن زمان در رئیس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها بود در اسفند ماه سال ۱۳۸۰، تصریح کرد: کانون نویسندگان غیرقانونی است و رسمیت ندارد.»

سایت مهر می‌افزاید که در ادامه روند حمایت کانون نویسندگان از سازمان منافقین مجاهدین، این کانون در بیانیه‌ای به بهانه اخراج منافقین مجاهدین از عراق، بار دیگر حمایت خود را از این سازمان علنی کردند.

«کانون نویسندگان ایران در تبعید» این بیانیه را در وبگاه خود منتشر کرده و حمله به اردوگاه اشرف را نقض آشکار حقوق انسانی دانسته و خواستار قطع بی‌درنگ حمله و محاصره و آزادی منافقین مجاهدین شده است!

«کانون نویسندگان ایران در تبعید» پیوند ویژه‌ای با گروهک منافقین مجاهدین دارد و برخی اعضای ارشد آن نظیر غلامحسین ساعدی، سعید سلطان‌پور و اسماعیل خونی در زمره اعضای ارشد این گروهک محسوب می‌شدند و در جلسات داخلی آنان نیز شرکت می‌کردند و از ابزار ادبیات برای حمایت از این گروهک با نگارش داستان و شعر سوءاستفاده می‌کردند...»

سایت مهر در ادامه حملات و افتراه و پرونده‌سازی اش علیه هیأت دبیران کانون می‌نویسد: «تشدید فعالیت کانون غیرقانونی نویسندگان در حالی صورت می‌گیرد که براساس اسناد سازمان اطلاعات و امنیت رژیم ستم شاهی، اعضاء و فعالان آن ارتباطات تنگاتنگی با «ساواک» داشتند و پس از انقلاب اسلامی نیز با صدور بیانیه‌های مختلف به معارضة با احکام اسلام و آرمان‌های انقلاب پرداختند.»

\*\*\*

به این ترتیب، خبرگزاری حکومتی مهر، به «سربازان گمنام امام زمان»، یعنی همان‌هایی که پوینده، مختاری، حاجی‌زاده، سیرجانی و... را به قتل رساندند؛ همان‌هایی که قتل‌های زنجیره‌ای زنان راه انداختند؛ همان‌هایی که در اصفهان به روی زنان اسید پاشیدند؛ همان‌هایی که در مجلس قانونی (قانون جنگلی) را تصویب کردند تا اسیدپاشان بیش از پیش فعال‌تر شوند و سرکوب سیستماتیک زنان و آپارتاید جنسی را تشدید نمایند؛ همان‌هایی که در زندان‌ها زندانیان را شکنجه و یا به آن‌ها تجاوز کردند؛ همان‌هایی که در میدانی شهرها به گردن انسان‌ها طناب دار می‌اندازند؛ همان‌هایی که در بالاترین ارگان‌های حکومت اسلامی نشسته‌اند و کسب و کار دایمی‌شان سرکوب و ترور و غارت اموال عمومی جامعه است، فراخوان می‌دهد که نسبت به فعالیت کانون نویسندگان بی‌تفاوت نباشند!

خبرگزاری مهر، پس از گذشت سی و شش سال از سرنگونی حکومت پهلوی، اعضاء و فعالان کانون نویسندگان را ساواکی می‌نامد. فخرآور نیز زرافشان را (عضو واحد قضائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) معرفی می‌کند و اتهامات چندی‌آور و بی‌پایه و اساسی به کانون نویسندگان و زرافشان و رئیس دانا می‌زند.

در هر صورت شایعات زیادی درباره فخرآور وجود دارد از جمله همکاری با وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران. فخرآور چند سال پیش نیز تلاش کرد با همکاری و حمایت گروه‌های سلطنت طلب، یک جریان موازی با انجمن قلم ایران در تبعید، به وجود آورد. (اطلاعی‌ای در این مورد، در زیر ضمیمه است)

سعید امامی، دورانی که معاون فلاحیان وزیر اطلاعات بود و در جریان قتل‌های زنجیره‌ای با هدف بستن این پرونده، او را قربانی و واجبی خور کردند در طرح مطبوعات که به مجلس داده بود از جمله درباره کانون نویسندگان نوشته بود حکومت نیز جریانات موازی با آن را به وجود آورد.

این که آقای فخرآور از یک سو در لابی‌های امریکائی و از سوی دیگر با عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی در ارتباط است یا نه، امر و مسأله من نیست. آنچه که در این جا مورد بحث است اتهاماتی ناروا و زشتی ست که او به آقایان زرافشان و رئیس دانا زده است. این دو چهره فرهنگی و سیاسی شناخته شده‌ای هستند که در سال‌های اخیر نیز عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان بودند در عین حال خارج از کانون نویسندگان نیز مبارزه سیاسی پیگیری دارند و بهای آن را نیز در این سال‌ها آگاهانه پرداخته‌اند. آقای زرافشان، صرفاً به دلیل این که وکیل قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای زنده یادان مختاری و پوینده و... بود به مدت پنج سال در زندان ماند که در آن جا نیز همواره با توطئه‌های عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی از حمله فخرآور روبه رو بود. رئیس دانا هم به خاطر اظهار نظر درباره یارانه‌ها و گفت و گو با یک رسانه فارسی زبان خارج کشور یک سال زندانی کشیدید. حالا کسی به نام «فخرآور» بی‌شرمانه می‌نویسد:

«... ناصر زرافشان (عضو واحد قضائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و رفیق سالهای دور وی فریبرز رئیس دانا...»

وقاحت و بی‌شرمی تا کجا؟!!

حکومت اسلامی، هم چنین در کنگره امسال پن جهانی در بیشکک پایتخت قرقیزستان، میز کتاب گذاشته بود که با اعتراض نماینده انجمن قلم ایران در تبعید و با حمایت نمایندگان برخی از پنهانها، رسوا شد و بساط خود را جمع کرد. (اطلاعیه انجمن قلم ایران در تبعید در این مورد در زیر ضمیمه است)

در چنین شرایطی، روشن است که هیأت دبیران و اعضای کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، از یکسو از کانون نویسندگان ایران حمایت کنند و از سوی دیگر، مبارزه خود را علیه سانسور و اختناق این حکومت اسلامی در چارچوب منشور و اهدافشان تشدید نمایند! این اهداف عبارتند از:

«۱- دفاع از آزادی اندیشه و عقیده برای همه افراد و گروه‌های عقیدتی و قومی بدون هیچ حصر و استثناء. ۲- هرکس می‌تواند افکار و عقایدی که خود می‌پسندد، داشته باشد و هیچ فرد و یا گروه و یا مرجعی مجاز نیست افکار و عقاید خود را بر دیگران تحمیل و یا از ابراز عقیده و برخورد آزادانه افکار و عقاید جلوگیری کند. ۳- دفاع از آزادی بیان و نشر، و اشاعه افکار و عقاید و آثار فکری (هنری، فرهنگی، فلسفی و...) با استفاده از کلیه وسایل ممکن. ۴- مبارزه با هرگونه تبعیض و استثمار فرهنگی. ۵- در استقلال کانون از همه جمعیت‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی اعم از مستقل یا وابسته به هر نوع نظام حکومتی، کانون ضمن آن که موظف به دفاع از کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که با آزادی اندیشه و بیان و نشر و رشد فکری و فرهنگی جامعه ارتباط دارند، نمی‌تواند و نمی‌باید به هیچ شکلی تبدیل به ابزار یا محملی برای فعالیت هیچ جمعیت، حزب یا سازمان سیاسی خاصی شود. ۶- همکاری با کلیه کانون‌ها و انجمن‌های مشابهی که بدون داشتن وابستگی به گروه، جمعیت، سازمان یا حزب سیاسی خاص، از آرمان‌های عام آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع می‌کنند...»

به این ترتیب، کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، تشکل‌های دموکراتیک و چند صدائی نویسندگان در خارج کشور است که اصلی‌ترین وظایف آن‌ها، نه تنها دفاع بی‌حد و حصر از جوهر آزادی بیان نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران و مترجمین، بلکه از آزادی بیان همگان است. به عبارت دیگر، کانون و انجمن در عرصه‌های صنفی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت می‌کنند. این فعالیت‌هاست که صدای رسانه‌های وابسته به حکومت اسلامی همچون خبرگزاری مهر را درآورده است.

هنگامی که خبرگزاری مهر می‌نویسد: «کانون نویسندگان ایران در تبعید» این بیانیه را در وبگاه خود منتشر کرده و حمله به اردوگاه اشرف را نقض آشکار حقوق انسانی دانسته و خواستار قطع بی‌درنگ حمله و محاصره و آزادی منافقین شده است!

«کانون نویسندگان ایران در تبعید» پیوند ویژه‌ای با گروهک منافقین دارد و برخی اعضای ارشد آن نظیر غلامحسین ساعدی، سعید سلطان‌پور و اسماعیل خونی در زمره اعضای ارشد این گروهک محسوب می‌شدند و در جلسات داخلی آنان نیز شرکت می‌کردند و از ابزار ادبیات برای حمایت از این گروهک با نگارش داستان و شعر سوءاستفاده می‌کردند...»

هدف این نوع خبررسانی وارونه و بی‌پایه و اساس حکومت اسلامی، توهم‌پراکنی در جامعه و پرونده‌سازی‌های کاذب و غیرواقعی برای فعالان و هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران، کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، به معنی این است که حکومت اسلامی ایران، از بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها و شب شعرها، سخنرانی‌ها، سالگرد قتل‌های زنجیره‌نی و غیره وحشت دارد.

ما در بیانیه کانون نویسندگان ایران در تبعید، اقدام تروریستی مشترک حکومت شیعه عراق و حکومت شیعه ایران علیه مجاهدین را محکوم کردیم و از حقوق انسانی ساکنان اردوگاه اشرف در عراق، دفاع نمودیم نه از سازمان مجاهدین خلق و سیاست‌های آن. نه ما هیأت دبیران در آن دوره کانون نویسندگان ایران در تبعید که در آن دوره من هم عضو هیأت دبیران آن بودم و نه هیأت دبیران انجمن قلم ایران در تبعید و نه قبل از ما زنده‌یادان سعید سلطانیپور و غلامحسین ساعدی و نه آقای اسماعیل خوئی از دبیران سابق کانون نویسندگان ایران، به عنوان کانون کمترین ارتباط تشکیلاتی نه با سازمان مجاهدین خلق ایران و نه سازمان‌های سیاسی دیگر نداشته و هنوز هم نداریم. این که اعضای کانون عضو سازمان‌های سیاسی هستند یا نه؟ امر کانون و انجمن نیست و ربطی هم به کانون و انجمن ندارد. اما مسلم است که ما در چارچوب اهداف و منشور کانون و انجمن، از آزادی بیان و حرمت و موجودیت انسانی همه شهروندان ایرانی و غیرایرانی و جنبش‌های اجتماعی حق‌طلب و آزادی‌خواه و عدالت‌جو و سازمان‌ها و نهادهای مخالف حکومت اسلامی دفاع می‌کنیم.

این حکومت تروریستی اسلامی ایران است که دستش به خون ده‌ها هزار انسان بی‌گناه و بی‌دفاع آلوده است. حکومت اسلامی ایران، حکومتی زن ستیز و آزادی ستیز و کودک آزار و تبهکار است. این حکومت در سطح بین‌المللی نیز حامی تروریست‌های مذهبی و حکومت‌های آدم‌کشی چون حکومت سوریه است. بنابراین، چنین حکومتی مانند همفکرانش مانند داعش، شیوخ کشورهای عربی، بوکو حرام نیجریه، طالبان، القاعده، جبهه النصر، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین و غیره تبهکار و مافیائی است. هر چند که این گروه‌ها و حکومت‌های اسلامی در عرصه‌های تاکتیکی با همدیگر رقابت و کشمکش دارند اما استراتژی و ایدئولوژی مشترکی دارند و بلای جان و مال و آزادی‌های فردی و جمعی جوامع مختلف هستند.

نهایتاً کانون نویسندگان ایران، کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، سازمان و حزب سیاسی نیستند، بلکه نهادهای دموکراتیک نویسندگان و هنرمندان هستند که ضد قدرت هستند و در جهت تحقق یک جامعه بدون سانسور و اختناق، بدون ستم و تبعیض، بدون زندان و شکنجه و اعدام پیگیرانه مبارزه می‌کنند و کاری به این ندارند که چه گرایشی و چه حزب و نیروی در قدرت است.

به علاوه این که این سه نهادها مذکور، با هر افت خیزی و مشکلی و مانعی، تاریخ پرافتخار خود را دارند؛ در مسیر پیکار خویش نیز کمترین وحشتی از هیچ حکومتی و ارگانی و حزبی و سازمانی و فردی ندارند و با تمام قدرت در جهت برقراری آزادی و برابری و عدالت اجتماعی در جامعه ایران می‌کوشند!

اکنون جامعه ما، شرایط سخت و دشوار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی به سر می‌برد از این‌رو این جامعه، آستان حوادث مختلفی از جمله شورش و انقلاب است. در چنین شرایط حساسی، طبیعی است که نویسندگان و هنرمندان و مترجمین بیش از پیش در نهادهای دموکراتیک خود، یعنی کانون نویسندگان ایران، کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، متحد و متشکل شوند و پیکار خود را گسترش دهند. بیش‌ترین ترس و وحشت حکومت اسلامی ایران نیز از این فعالیت‌های متشکل و متحد است نه فعالیت‌های فردی و تخصصی.

چهارشنبه چهاردهم آبان [عقرب] ۱۳۹۳ - پنجم نومبر ۲۰۱۴

**ضمائم:**

۱- اطلاعیه مشترک - کانون نویسندگان ایران «در تبعید» و انجمن قلم ایران «در تبعید»

در باره سمپاشی علیه کانون نویسندگان ایران

اخیرا افرادی ناشناس، تأسیس نهادی به نام «انجمن قلم ایران» را در فیس‌بوک اعلام و ضمن دفاع از «انقلاب سبز ایرانیان» و دعوت از «نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران و شاعران» به شرکت در چنین نهادی، به ضرورت حضور آنان برای «زایشی نو در دنیای ادبیات ایران» اشاره و در عین حال، علیه «کانون نویسندگان ایران» نیز قلم فرسایی کرده‌اند.

این افراد اطلاعیه خود را با عنوان «به نام پزدان پاک» آغاز کرده و نوشته‌اند: «در راستای شکل‌گیری ایران نوین، پس از پیروزی انقلاب سبز ایرانیان، نیاز به نهادهای مدنی خواهیم داشت که گروه‌ها و اصناف ایرانی را نمایندگی کنند. در این بین نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران و شاعران نقشی پایه‌ای به دوش خواهند داشت در این گروه تلاش خواهیم کرد تا صاحبان قلم و دوستداران نگارش پارسی را گرد هم آورده و زایشی نو در دنیای ادبیات ایران شاهد باشیم. کانون نویسندگان ایران که خود را دارنده چنین مرکزیتی می‌داند و در طول سالیان دراز با همت بزرگان ادب پارسی پایه نهاده شده بود، امروز در چنگال گروهی کوچک که اسیر ایدئولوژی‌های دفن شده در تاریخ بشر هستند، مصادره گردیده و زنده به گور شده است.

پس از سال‌ها تلاش بی‌ثمر برای نجات آن کانون، در نهایت به فکر کاشتن نهالی نو پا به نام انجمن قلم ایران افتادیم که با قلم زنی‌های شما عزیزان تنومند گردد.»

بر خلاف ادعای صادرکنندگان این اطلاعیه، اعضای کانون نویسندگان در ایران هرگز اعلام نکرده‌اند که دارای ایدئولوژی مشخصی، آن هم از نوع «دفن شده در تاریخ بشر» هستند. هسته اصلی اهداف و منشور اعلام شده کانون، همانا چیزی جز دفاع از آزادی اندیشه و بیان در همه صور شنیداری، گفتاری و دیداری آن نیست که ارزشی انسانی و جهان‌شمول است و نه ایدئولوژیک.

بنابراین، دادن چنین نسبت‌هایی به اعضای کنونی کانون باید ناشی از ناخشنودی این افراد از موضع‌گیری‌های اخیر کانون نویسندگان ایران در اطلاعیه‌ها و دفاع شجاعانه‌اش از مردم ایران در قبال استبداد و خفان موجود در جمهوری اسلامی باشد. کانون، هم اکنون زیر شدیدترین فشار و سانسور موجود، بر حق مردم ایران برای برخورداری از آزادی اندیشه و بیان پا می‌فشارد و بیانیه‌هایش نشانگر وفاداری به آرمان و اهداف و منشور همیشگی آن است.

در واقع کانون نویسندگان ایران به خاطر پشتیبانی از مردم در برابر سرکوب بی‌رحمانه و نابکارانه‌ای که در جامعه ما جریان دارد، مورد خشم این افراد واقع شده است. کانون، اکنون نیز مانند سالیان دراز موجودیت خود، در دفاع از آزادی اندیشه و بیان در صف اول مبارزات جامعه حضور دارد و از عزت و شرف انسان و آزادی دفاع می‌کند. از این رو فقط از جانب جریان‌های مورد هجوم قرار می‌گیرد که چنین حضور روشن و قاطعی را بر نمی‌تابند و وظیفه کانون نویسندگان ایران را تنها باقی ماندن در چارچوب «نگارش پارسی» خلاصه می‌کنند، نه در مبارزه متشکل نویسندگان با عوامل سانسور و آزادی‌کشی.

این را نیز باید یادآوری کرد که کانون نویسندگان ایران، چه در داخل کشور و چه در تبعید و همچنین انجمن قلم ایران در تبعید، نه تنها هیچ‌گاه نسبت به فعالیت دیگر گروه‌ها برای تشکیل کانون‌های مشابه، مخالفتی نداشته‌اند، بلکه هر حرکت فرهنگی و ایجاد هر نهاد دمکراتیک را با دیده موافقت و هماهنگی می‌نگرند و طبعاً از گسترش میدان مبارزه در برابر محدودیت آزادی اندیشه و بیان استقبال می‌کنند. اما وقتی نهادی ادعا می‌کند که می‌خواهد به نام «زایشی نو در دنیای ادبیات ایران» به حرکت درآید و اطلاعیه‌اش را هم با عنوان ایدئولوژیک «به نام پزدان پاک» شروع می‌کند، بهتر است به‌جای پرخاش و دادن نسبت‌های ناروا به کانون نویسندگان ایران، اهداف و منشور خود را در دفاع از آزادی بیان و مبارزه با سانسور و استبداد موجود در رژیم جمهوری اسلامی شرح دهد و اعلام کند که در قبال سانسور و



خفقان کنونی که در سی سال گذشته نیز ادامه داشته است چه خواهد کرد. در غیر این صورت، باید در حسن نیت و اهداف این افراد در دفاع از آزادی اندیشه و بیان شک کرد.

افزون بر این، در ایران انجمنی به نام «انجمن قلم ایران» وجود ندارد. چند سال پیش جمهوری اسلامی کوشید تا با تاسیس یک «انجمن قلم ایران» وابسته به خود، در مقام مقابله با «انجمن قلم ایران در تبعید» برآید که موفق نشد و با بی‌اعتنائی نویسندگان آزاده و مدافع آزادی اندیشه و بیان روبرو شد و عملاً کارش نگرفت. از این رو، کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، ضمن دفاع از شرف و آزادی و مبارزات کانون نویسندگان ایران، هرگونه سمپاشی نسبت به این نهاد مبارزاتی را که در ذهنیت مردم ایران از اعتبار بسیار برخوردار است محکوم می‌کند و آن را در راستای مبارزات مردم ایران نمی‌داند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید                      انجمن قلم ایران در تبعید

بیست و دوم فیروزی ۲۰۱۰

۲- اطلاعیه انجمن قلم ایران در تبعید،

### درباره میز کتاب حکومت اسلامی ایران در محل برگزاری کنگره پن جهانی در قرقیزستان

انجمن قلم ایران در تبعید هموند پن جهانی است و در کنگره‌های سالانه آن شرکت می‌کند. امسال برای نخستین بار در تاریخ پن، کنگره سالانه آن، در بیشکک (پایتخت) قرقیزستان برگزار شده و این کنگره از روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر کار خود را آغاز کرده است.

بنا بر تصمیم دبیران انجمن قلم ایران در تبعید، قرار بود همانند سال پیش که آقای بهرام رحمانی، به عنوان پرزیدنت انجمن قلم ایران در تبعید و آقای ناصر پیمان یکی از دبیران بین‌المللی این انجمن، در کنگره پن در ایسلند شرکت کرده بودند، امسال نیز، در قرقیزستان حضور داشته باشند. اما به دلایل امنیتی و تهدیدهایی که به تازگی از سوی عوامل حکومت اسلامی بر علیه بهرام رحمانی و نزدیکان وی در ایران صورت گرفته، گروه دبیران انجمن قلم ایران در تبعید تصمیم گرفتند که وی به این کنگره نرود؛ پرزیدنت انجمن قلم ایران در تبعید نیز، با توجه به تهدیدها و نگرانی‌های ما، پذیرفت که در این کنگره شرکت نکند. بنا بر این، هم اکنون، ناصر پیمان از سوی انجمن قلم ایران در تبعید، در کنگره پن جهانی در قرقیزستان حضور دارد.

در محل برگزاری کنگره، از سوی سفارت حکومت اسلامی ایران در قرقیزستان، یک میز کتاب گذاشته شده و شمار بسیاری کتاب خمینی را با برگردان روسی، در کنار کتاب‌های مثنوی مولوی و دیگر کتاب‌ها برای عرضه به نویسندگان قرار داده‌اند. بر این میز کتاب، پرچم جمهوری اسلامی نیز، به چشم می‌خورد. افرادی که سفارت حکومت اسلامی ایران برای اداره میز کتاب فرستاده، همه قیرقیزی هستند و از مذهبی‌های متعصب. هنگامی که ناصر پیمان، با دیدن کتاب‌ها و عکس‌های خمینی، به اعتراض از کشتار زندانیان و فشارها و شکنجه‌ها و سرکوب آزادی‌ها در حکومت اسلامی سخن گفت، آنان دهان به تهدید گشودند و در کنار میز کتاب از وی شروع به عکس گرفتن کردند.

کسی که مسئولیت برگزاری این میز کتاب را داشت یک انگلیسی بود که ظاهراً در بیشکک چاپخانه و انتشاراتی دارد اما به نظر می‌رسد که برای حکومت اسلامی کار می‌کند. نهایتاً ایشان و دو نفری که از سفارت حکومت اسلامی آمده بودند به پیمان ناصر پیشنهاد می‌کنند که با آن‌ها وارد گفتگو شود. اما ناصر پیمان در جواب آن‌ها می‌گوید که با نمایندگان حکومت ده هزار اعدام و سنگسار، سرکوب و ترور، سانسور و اختناق، نباید گفتگو کرد. نهایتاً بسیاری از انجمن‌های قلم و نمایندگان آن‌ها، به حمایت از نماینده ما برمی‌خیزند.





چرا که حکومت اسلامی ایران، به حدی رسوا است و همه می‌دانند که این حکومت، یک حکومت ترور و وحشت است و از روز نخست استقرار آن در ایران، ضد آزادی بوده است. بخش کوچکی از جنایت‌های حکومت اسلامی، در قطعنامه انجمن قلم ایران در تبعید و نیز، در نامه سرگشاده بهرام رحمانی به نمایندگان کنگره پن جهانی، توصیف شده است.

اما پس از این که عوامل سفارت جمهوری اسلامی، به شکل مفتضحانه‌ای مجبور شدند بساط خود را جمع کنند و بروند به خصوص خانم «المیرا» پرزیدنت پن قرقیزستان و آسیای مرکزی، به پیمان ناصر گفته که سفارت ایران در قرقیزستان فردا سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر او را دعوت کرده که به سفارت جمهوری اسلامی برای گفت‌وگو برود و از پیمان نیز خواسته که با او به سفارت برود. جواب پیمان به او، «نه» محکم بود؟



ما از انجمن‌های قلم و نمایندگان آن‌ها که به حمایت از اعتراض نماینده ما بر علیه عوامل حکومت اسلامی و نمایندگان سفارت حکومت اسلامی در بیشکک برخاستند و سرانجام پس از چند ساعتی، بساط حکومت اسلامی را جمع کردند بی‌نهایت سپاسگزاریم. اما از مسوولین پن مرکزی و به خصوص پن قرقیزستان که مسوولیت برگزاری این کنگره را به عهده دارد، جدا می‌خواهیم که از یکسو، به نفوذ حکومت اسلامی در پن حساس باشند و از سوی دیگر، امنیت نماینده ما را با جدیت تمام تأمین کنند.

همچنین از نمایندگان کنگره پن جهانی انتظار داریم که این اقدام حکومت اسلامی را شدیداً محکوم کنند!

انجمن قلم ایران در تبعید- بیست و نهم سپتامبر ۲۰۱۴